

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

انتخاب از: نعیم سلیمی
۲۸ نومبر ۲۰۲۱

با درود های فراوان حضور دوستان، اهل سخن و ادب در وضعیت کنونی آشفته و دلگیر وطن که لاجرم آدمی را به سکوت و سکون می طلبد، پیکی از غزلیات میرزا عبدالقادر بیدل دهلوی را تقدیم می دارم. امید که با خواندن آن فیض معنوی نصیب همه ما گردیده و دل های مان صیقلی پیدا یابد.

از «غزلیات» بیدل دهلوی

غزل شماره ۵۵۷

خامش نفسم شوخی آهنگ من این است	سر جوش بهار ادبم رنگ من این است
عمریست گرفتار خم پیکر عجزم	تا بال و پر نغمه شوم چنگ من این است
بیتاب هواسنجی عمرم چه توان کرد	میزان خیال نفسم سنگ من این است
خمیازه ام آرایش پیمانه هستیست	چون صبح خارم مشکن رنگ من این است
موج می و آرایش گوهر چه خیال است	ناموس جهان تپشم ننگ من این است
نه ذوق هنر دارم و نه محو کمالم	مجنون توام دانش و فرهنگ من این است
با هر که طرف گشته ام آرایش اویم	آئینه ام و خاصیت جنگ من این است
ظلم است رفیقان ز دل خسته گذشتن	گر آبله دارد قدم لنگ من این است
نامحرم آن جلوه ام از بیدلی خویش	آئینه ندارم چه کنم زنگ من این است